

چرتکه

تورم سه رقمی؛ چرا و چگونه؟



بخش اقتصاد- بر اساس گزارشی که مرکز آمار تحت عنوان «متوسط قیمت کالا‌های خوراکی منتخب در مناطق شهری کشور در شهریورماه ۹۹» منتشر کرده، قیمت برنج خارجی ۱۰۹ درصد، لپه ۱۱۹ درصد، عدس ۱۳۷ درصد، لوبیاقرمز ۹۶ درصد، تخم‌مرغ ۷۲ درصد و... افزایش یافته، به نوعی می‌توان گفت، برخی از اقلام اساسی سبد معیشتی مردم، طی یک سال گذشته، تورم سه رقمی را پشت سر گذاشته است.

وحید شقاقی شهری کارشناس مسائل اقتصادی با اشاره به افزایش تورم در شهریورماه، به فرارو گفت: در گذشته تنها گفته می‌شد، تورم ناشی از سیاست‌های پولی است، این حرف نیز در گذشته کارکرد داشت، اما امروز دیگر چنین چیزی مصداق ندارد، این درحالی است که امروز عوامل موثر بر تورم، برهم کنش و اثرگذاری دارند، از سویی الان دیگر سیاست‌های پولی صرفا مسبب تورم نیستند.

وی افزود: در حال حاضر مسائل سیاست خارجی و روابط بین‌الملل تاثیر بسزایی بر روی وضعیت اقتصادی دارد، اگر کشوری به مانند کشور ما در منازعه با کشورهای دیگر باشد، به طور قطع تورم در اقتصاد وجود خواهد داشت و باعث افزایش قیمت‌ها در بازارهای مختلف می‌شود، بنابراین اگر می‌خواهیم تورم نرمالی داشته باشیم، باید روابط معقولی با کشورهای جهان ایجاد کرد.

شقاقی سیاست‌های موثر بر بخش واقعی اقتصاد را دیگر عامل موثر را در افزایش تورم دانست و اظهار داشت: در این زمینه بی‌انضباطی مالی دولت نقش بسزایی در افزایش تورم داشته، دولت با توجه به اینکه با کسری شدید بودجه روبرو است، بازمهر در بخش بودجه ریخت و پاش‌های بسیاری دارد و با این وضعیت بازمهر تورم زیادی ایجاد خواهد شد.

این استاد دانشگاه بیان داشت: افزایش نقدینگی به عنوان یکی از سیاست‌های اصلی پولی باعث افزایش تورم شده، آخرین آمارى که در زمینه رشد نقدینگی وجود دارد، مربوط به خرداد ماه است که ۳۱ درصد بوده، درحالی که میانگین رشد نقدینگی سالیانه طی چهار دهه اخیر بین ۲۳ تا ۲۵ درصد بوده که خود این میانگین سالیانه بسیار بالا است، اما نکته مهم این است که به نظر می‌رسد درحال حاضر سرعت رشد نقدینگی بسیار افزایش یافته با توجه به وضعیتی که الان در اقتصاد کشور حکمفرما است.

محمدقلی یوسفی عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی در گفتگو با فرارو با اشاره به اینکه در اثر فشار اقتصادی سهمگینی که وجود داشته، تورم برخی از مایحتاج ضروری مردم سه رقمی شده است، اظهار داشت: این تورم یک شبه به وجود نیامده، بلکه محصول سال‌ها سوء مدیریت داخلی و تحریم‌های خارجی است که امروز خود را نشان داده و به اوج خود رسیده است، در این رابطه نیز برنامه مشخصی برای مهار این موج تورم و گرانی‌ها وجود ندارد، این در حالی است که همگان منتظر هستند تا ببینند، نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا چه می‌شود، تا بلکه با آمدن بایدن فرجی شود. وی با تاکید بر اینکه تاثیر این انتخابات بر روی زندگی مردم ایران بیشتر از خود آمریکایی‌ها به نظر می‌رسد، گفت: متأسفانه این حقیقت تلخی است که در حال حاضر معیشت مردم ایران به این انتخابات گره خورده و این به هیچ عنوان خوشایند نیست، در حال حاضر بسیاری از چالش‌های اقتصادی روی هم تلنبار شده و به دلیل اینکه راهکارهای درست و اساسی برای حل این مشکلات ارائه نشده است، مشاهده می‌کنید که این معضلات امروز مرز بحران را رد کرده است.

یوسفی با بیان اینکه سفره مردم هر روز کوچکتر از گذشته می‌شود، گفت: در حالی که مقامات مدام می‌گویند با اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی مایحتاج عمومی مردم به نرخ ارز دولتی ۴۲۰۰ تومانی وارد می‌شود و با همین نرخ نیز واردکننده آن‌ها را باید در بازار توزیع کند، اما در عمل چنین چیزی رخ نمی‌دهد، در سال گذشته بالغ بر ۱۵ میلیارد دلار ارز برای واردات کالا‌های اساسی، دارو و مواد اولیه تولید در نظر گرفته شد، اما با توجه به دادگاه‌های فساد ارزی که در نیمه اول سال برگزار شد، مشاهده کردیم که چه سوء استفاده‌های عظیمی از این ارزها صورت گرفت. این اقتصاددان بیان داشت: اگر واقعا کالاها با این نرخ در بازار عرضه می‌شد، امروز با تورم سه رقمی در قیمت برنج وارداتی روبرو نبودیم، بنابراین این بخش ناشی از مدیریت فشل و ناکارآمد داخلی است و هیچ ربطی به تحریم نیز ندارد، به واقع منابع ملی و ارزی کشور را آن هم در شرایطی که کشور با تنگای شدید ارزی روبرو است، تاراج کردند، معلوم است که خروجی چنین وضعیتی تورم افسار گسیخته در بازارهای مصرفی خواهد شد، به طوری که دود آن مستقیم به چشم مردم نیازمند و ضعیف خواهد رفت.

وی افزایش نرخ ارز را یکی از مهم‌ترین عوامل در ایجاد این تورم سه رقمی برشمرد و گفت: به دلیل تحریم‌ها و کاهش درآمدهای ارزی و همچنین تورم انتظاری موجود در جامعه، ارز افسار پاره کرد و ۳۰ هزار تومان را نیز در نوردید، زمانی که دلار به این نرخ می‌رسد، به طور قطع هزینه تمام شده تولید کالاها و خدمات نیز افزایش پیدا کند و به دنبال آن هم بازارهای مختلف به صورت دومینو وار شروع به بالا رفتن می‌کنند.

یوسفی با بیان اینکه کسری بودجه دولت تورم بسیار سنگینی را بر پیکره اقتصاد کشور وارد کرد، یادآور شد: زمانی که دولت برای جبران هزینه‌های خود با استقراض از بانک مرکزی و چاپ پول این کسری بودجه را پوشش می‌دهد، به طور قطع نقدینگی در جامعه بسیار زیاد می‌شود. این نقدینگی باعث افزایش تورم می‌شود و این مسئله هر روز شدیدتر می‌شود، این در حالی است که از ابتدای سال مدام گفته شد که نرخ تورم حدود ۴۰ درصد است، اما این موضوع یک نکته مهم دارد، تورمی که اعلام می‌شود میانگین تورم بیش از ۱۰۰ قلم کالا است، اما تورمی که مردم احساس می‌کنند، امروز بیش از این حرف هاست.

{ اقتصاد }



آمارها نشان می‌دهند شهروندان ایرانی در دهه ۱۳۹۰، به شدت فقیر شده‌اند

دهه نود چطور جیب ایرانی‌ها را تاراج کرد؟

محمد مهدی حاتمی

برای ایرانی‌هایی که بعد از انقلاب به دنیا آمده اند و حتی بخش بزرگی از ایرانی‌هایی که دوران پیش از انقلاب و سال‌های جنگ تحمیلی را هم به چشم دیده اند و لمس کرده اند، سال ۱۳۹۹ از نظر اقتصادی با همه سال‌های دیگر متفاوت بوده است.

به گزارش فرارو، عمق بحران اقتصادی در ایران حالا به اندازه‌ای زیاد شده که کسی نمی‌تواند پیش بینی کند طی ماه‌های آینده، خروجی این وضعیت در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی چه خواهد بود. اما هر چه هست، ایرانی‌ها می‌دانند و حس می‌کنند که به شدت فقیر شده‌اند و دهه ۱۳۹۰، دهه خوش یمنی برای آن‌ها نبوده و اوج این بدیمنی را هم حالا در آخرین سال این دهه، با گوشت و پوست و استخوان خود حس می‌کنند. اما اگر بخواهیم نگاهی به تصویر کلان اقتصاد ایران ببندازیم تا بتوانیم عمق فاجعه را بهتر درک کنیم، دقیقاً چه جزئیاتی را خواهیم دید؟ به عبارت دیگر، ما چقدر فقیر شده ایم؟

ایرانی‌ها دیگر «مصرف» نمی‌کنند

بررسی آمارهای مربوط به هزینه-درآمد خانوار که توسط مرکز آمار ایران منتشر می‌شوند، تصویر ترسناک و نگران‌کننده‌ای از آینده کوتاه مدت ایران به دست می‌دهند. بر این اساس، در فاصله سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸، تولید ناخالص داخلی سرانه حدود ۱۰ درصد کاهش پیدا کرده و از آنجا که هنوز آمارهای کامل مربوط به سال ۱۳۹۹ منتشر نشده اند، می‌توان حدس زد وضعیت وخیم‌تر هم شده باشد. به عبارت ساده تر، ایرانی‌ها طی این سه سال، ۱۰ درصد فقیرتر شده‌اند و این در حالی است که این آمار خام، گویای همه مسائل نیست و ضمناً، دربرگیرنده وضعیت وخیم سال ۱۳۹۹ هم نیست. در فاصله سه ساله ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸، مصرف حقیقی خانوار هم کاهشی ۳ درصدی را نشان می‌دهد و البته از آنجا که بخش اعظم هزینه خانوار مربوط به اجاره بها (در صورت نداشتن ملک شخصی) است، حذف اجاره بها از محاسبات نشان می‌دهد که مصرف حقیقی کالاها طی این مدت چقدر کاهش پیدا کرده است.

به این ترتیب، برای دهک اول درآمدی (فقیرترین هشت میلیون ایرانی)، در فاصله سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸، مصرف حقیقی بدون احتساب اجاره بها، حدود



بخش اقتصاد- بازار سرمایه نخستین روز کاری هفته گذشته را با افزایش تقاضا آغاز کرد و شاخص کل با رشد نزدیک به ۴۳ هزار واحد تا ارتفاع یک میلیون و ۵۴۶ هزار واحد پیشروی داشت، اما ارزش معاملات ۱۹ درصد کاهش یافت. در دومین روز از مثبت به منفی حرکت کرد، شاخص کل با کاهش ۲۳ هزار واحدی همراه بود و به نقطه یک میلیون و ۵۲۲ هزار واحد رسید. شاخص بورس در ۱۴ مهر با افت ۳۲ هزار واحدی همراه بود و به عدد یک میلیون و ۴۹۰ هزار واحد رسید.

بازار روز دوشنبه شرایط ضعیف و منفی داشت به طوری که شاخص کل به پایین‌ترین نقطه خود در ۷۲ روز کاری گذشته رسیده است. ارزش صف‌های فروش ۲ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان بیشتر از صف‌های خرید بود.

در دو روز پایانی کاری هفته بازار روندی صعودی داشت، به طوری که در مجموع این دو روز شاهد رشد ۵۰ هزار واحدی شاخص کل بودیم.

پس از سقوط شاخص کل در روز دوشنبه به رقم یک میلیون و ۴۹۰ هزار واحد، در دو روز آخر معاملاتی هفته به ترتیب ۱۶۵ و ۱.۷۲ درصد رشد کرد و به رقم یک میلیون و ۵۴۰ هزار واحد بالا آمد.

اتفاق مهم دو روز آخر معاملاتی هفته پیشی گرفتن صف‌های خرید از صف‌های فروش پس از ۳۸ روز بود. از ۱۴ مهر صف‌های خرید رو به رشد بوده است و در سه روز آخر کاری این صف‌ها رشد قابل توجهی را شاهد بود. در روز دوشنبه حجم صف‌های خرید نسبت به روز قبل ۷۱ درصد رشد کرد در روز سه شنبه این رشد با رکورد ۴۳ درصدی همراه بود و در نهایت در روز آخر هم صف‌های خرید با انبساط ۲۳ درصدی همراه بود.

در مقابل انبساط صف‌های خرید، صف فروش‌ها در مقایسه با روزهای کاری قبل با انقباض شدیدی روبرو بود. در روز دوشنبه میزان صف فروش کاهش



تلفنی

آگهی می‌پذیرد

۳۲۲۶۸۱۱۵

سال بیست و چهارم / شماره ۵۵۸۲

می‌کنند. دلیل اینکه دولت بارها تاکید کرده که نمی‌گذارد خانوارهای ایرانی از این نظر کمبودی احساس کنند هم همین است، چرا که کالاهای اساسی، در واقع خط قرمز مصرف خانوار هستند.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، متوسط مصرف ماهانه گوشت قرمز خانوارهای کشور در سال ۱۳۹۸ در قیاس با سال ۱۳۹۰ (یعنی در یک بازه ۸ ساله) حدود ۵۱.۶ درصد کاهش پیدا کرده است. به عبارت ساده تر، ایرانی‌ها در سال ۱۳۹۸ به طور متوسط به اندازه نصف سال ۱۳۹۰ گوشت قرمز مصرف می‌کرده‌اند و اوضاع قطعاً در سال ۱۳۹۹ وخیم‌تر هم شده است. دهک چهارم درآمدی از این منظر بدترین وضعیت را داشته است و مصرف گوشت قرمز برای خانوارهای این دهک درآمدی در این فاصله زمانی، حدود ۶۵.۲ درصد کاهش پیدا کرده است. جالب اینجا است که مصرف ماهانه گوشت قرمز در دهک درآمدی دهم (یعنی هشت میلیون نفر از ثروتمندترین ایرانی‌ها) هم به شکل قابل ملاحظه‌ای کاهش پیدا کرده است. بر این اساس، متوسط مصرف ماهانه گوشت قرمز نزد این گروه درآمدی از ایرانی‌ها در فاصله زمانی مورد اشاره حدود ۴۱.۴ درصد افت کرده است. این یعنی حتی ثروتمندترین ایرانی‌ها هم امروز در قیاس با یک دهه پیش گوشت کمتری مصرف می‌کنند.

عجیب‌تر از مورد گوشت قرمز که قیمت بالای آن در مقایسه با وضعیت درآمدی خانوار می‌تواند توجهی برای کاهش مصرف آن باشد، کاهش مصرف برنج طی هشت سال ابتدایی دهه ۱۳۹۰ است. برنج اصلی‌ترین خوراکی ایرانی‌ها است و مشخص نیست کاهش مصرف برنج با کدام ماده غذایی جبران شده است. بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران، متوسط مصرف ماهانه برنج در خانوارهای کشور در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۰ حدود ۳۴.۷ درصد کاهش پیدا کرده است. گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که طی همین بازه زمانی، مصرف لبنیات هم به شدت کاهش پیدا کرده است. بر این اساس، متوسط مصرف ماهانه لبنیات خانوارهای کشور در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۰ حدود ۳۵.۳ درصد کاهش پیدا کرده است.

چند درصد از ایرانی‌ها زیر خط فقر هستند؟

طی هفته‌های اخیر اعلام شد که خانوار ۴ نفره با درآمد کمتر از ۱۰ میلیون تومان زیر خط فقر زندگی می‌کنند. ۱۰ میلیون تومان با نرخ دلار ۳۰ هزار تومانی یعنی حدود ۳۳۳ دلار و تقسیم این عدد بر ۴ هم نشان می‌دهد که زندگی هر شهروند ایرانی با درآمد کمتر از ماهانه ۸۳ دلار، زیر خط فقر قرار دارد.

اما آمارها و هنجارهای جهانی در این مورد چه می‌گویند؟ «خط فقر» یا «آستانه فقر» POVERTY THRESHOLD. طبق تعریف حداقل درآمدی است که یک انسان باید در طول روز داشته باشد تا بتواند بدهی‌ی ترین، ساده‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای خود را پاسخ بدهد. بر اساس محاسبات بانک جهانی در سال ۲۰۱۵، حداقل «مطلق» این شاخص، معادل ۱.۹ دلار در هر روز است. قید «مطلق» در این تعریف هم به این معنی است که فرقی نمی‌کند این ۱.۹ دلار روزانه در کدام کشور (آمریکا، آلمان یا بوركینافاسو) خرج می‌شود.

به این ترتیب، خط فقر مطلق مطابق تعاریف جهانی، معادل ماهانه ۵۷ دلار (۱.۹ دلار در هر روز ضرب در ۳۰ روز) است. با دلار ۳۰ هزار تومانی، یعنی هر نفر ایرانی با درآمد کمتر از ماهانه یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان، زیر خط فقری معادل خط فقر در قاره آفریقا زندگی می‌کند. (بر این اساس، خانوار دو نفره باید حداقل ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان و خانوار ۴ نفره باید حداقل ۶ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان درآمد ماهانه داشته باشند)

داده‌های آماری داخلی در مورد جمعیت زیر خط فقر چندان دقیق نیستند، اما همین آمارهای جسته و گریخته نشان می‌دهند که در سال ۱۳۹۰، حدود ۱۷.۸ درصد از جمعیت ایران زیر خط فقر مطلق (با تعریف بالا) زندگی می‌کرده‌اند. این نسبت تا سال ۱۳۹۶ تغییر قابل توجهی نداشته و در اوج، در سال ۱۳۹۳ به حدود ۱۹.۶ درصد رسیده بود.

با این همه، در سال ۱۳۹۷ حدود ۲۴.۳ درصد و در سال ۱۳۹۸ حدود ۳۵.۴ درصد از کل جمعیت ایران زیر خط فقر مطلق (یعنی با استانداردهایی پایین‌تر از استانداردهای قاره آفریقا) زندگی می‌کرده‌اند. آمارهای مرتبط با سال ۱۳۹۹ هنوز در دسترس نیستند، اما می‌توان حدس زد با رشد افسارگسیخته قیمت ارزهای خارجی، رشد سه رقمی قیمت کالا‌هایی نظیر کره، حبوبات و امثال آن‌ها و نیز رشد افسانه قیمت مسکن و قیمت خودرو، اکنون دست کم نیمی از ایرانی‌ها زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند. این یعنی از هر دو ایرانی که در خیابان به آن‌ها بر می‌خورید، یکی احتمالاً زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کند.

خروج بورس از بخش مراقبت‌های ویژه

پیش از این در تمام روزهایی که شاخص رشد می‌کرد ارزش صف‌های فروش بیشتر از صف‌های خرید بود و بازار با خروج پول حقیقی از بازار همراه بود. اما در دو روز آخر بیشتر شدن صف‌های خرید با ورود پول حقیقی همراه شد، به همین جهت امیدواری‌ها برای تغییر روند بازار بیشتر شده است. هفته کاری گذشته برای سهامداران نماد بازگشت بورس از بخش‌های مراقبت‌های ویژه بود، از دیدگاه آنان بورس هم اکنون در بخش عمومی است تا پس از اتمام دوره نقاهت شرایط عادی را پیدا کند. برخی روز شنبه را پایان دوره نقاهت می‌دانند و برخی دیگر می‌گویند با توجه به مجموعه ریسک‌های حاکم بر اقتصاد باید تا نیمه آبان صبر کرد.

دو درصدی را تجربه کرد، اما هر چه زمان جلوتر رفت صف‌های فروش بیشتر عقب نشست. در روز سه شنبه از ارزش صف‌های فروش ۵۵ درصد کاسته شد تا علامت مهم برای فعالان بازار سرمایه باشد. در آخرین روز کاری نیز ۵ درصد دیگر از میزان صف‌های فروش در بازار کم شد تا بازاری که با صف فروش ۳ هزار ۳۰۰ میلیارد تومانی شروع کرده بود با صف فروش ۱۵۸۸ میلیارد تومانی به کار خود خاتمه دهد.

در نهایت آخرین علامت امیدوار کننده بورس ورود پول حقیقی به بازار بود. در دو روز آخر معاملاتی هفته خالص پول حقیقی ورودی به بازار مثبت شد تا برخی این را به منزله آشتی دوباره سرمایه‌گذاران با تالار توصیف کنند...

آگهی دعوت سهامداران شرکت کارخانه چایسازی تازه‌آباد (سهامی خاص)

ثبت شده به شماره ۲۲۶ و شناسه ملی ۱۰۷۲۰۰۳۷۳۵۰

جهت تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده و مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده

بدین‌وسیله از کلیه سهامداران شرکت کارخانه چایسازی تازه‌آباد (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۲۲۶ و شناسه ملی ۱۰۷۲۰۰۳۷۳۵۰ دعوت به‌عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۹ صبح مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۰۵ و جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده که در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۰۵ در آدرس استان گیلان، شهرستان لنگرود، بخش اطاقور، دهستان اطاقور، آبادی تازه‌آباد لیسهرود، محله ندارد، خیابان (جاده اصلی تازه‌آباد لیسهرود)، کوچه یاسمین، پلاک ۱۰۷، طبقه همکف کدپستی: ۴۴۷۹۱۳۳۷۳۸ تشکیل می‌شود حضور به‌هم رسانند.

دستور جلسه مجمع فوق‌العاده

۱ – کاهش تعداد مدیران

دستور جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده

۱ – انتخاب مدیران

۲ – انتخاب بازرس

۳ – انتخاب روزنامه کثیرالانتشار

هیات مدیره